

# ویروسی که سازنده‌اش آزاد است



مهرداد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

تتلو در زیرزمین متولد شد، رشد کرد و بالا آمد. او قبل از اینکه خواننده شود زیرزمینی بود و شخصیتش را می‌توان یک برون‌داد نمادین غلظت یافته از تاثیر آسیب‌های اجتماعی بر فرد دانست. خیلی‌ها در محلات فقیر بزرگ شدند که بعضی‌شان در یک خط افقی به زندگی ادامه دادند و از خوب یا بد سرنوشت‌شان کسی احوالی نپرسید. عده‌ای از اهالی آنجا اما با هر مکافتی که بود خودشان را لاقال کمی بالا کشیدند و سعی کردند به لحاظ فرهنگی و طبقاتی اگر نمی‌شد عروج کنند، لاقال چند پله بالا بیایند. اینچا اما صحبت از آنهایی است که در همان طبقه اسفل جامعه باقی ماندند و تلاش‌هایشان برای بالا آمدن، فقط رایحه غلیظ و آزاردهنده‌ای که عصاره‌ای از عفونت‌های سیاه‌چاله است را به سطح شهر می‌رساند و مشام آدم‌های شیک روی زمین را می‌گزد. یکی از اینهایی که گوشی می‌قابید، می‌گفت گاهی تا حدود ۱۵ میلیون تومان در روز درآمد دارد. زورگیری و نسوگیری اجاره‌ای و امثال آن را هم می‌توان از همان لایه‌های آسیب‌دیده اجتماع به وفور پیدا کرد که درآمدشان در یک هفته، گاهی حقوق شش ماه یک کارمند طبقه متوسط است، یا حتی بیشتر، اما اینها هنوز مال همان طبقه زیرزمین باقی مانده‌اند.

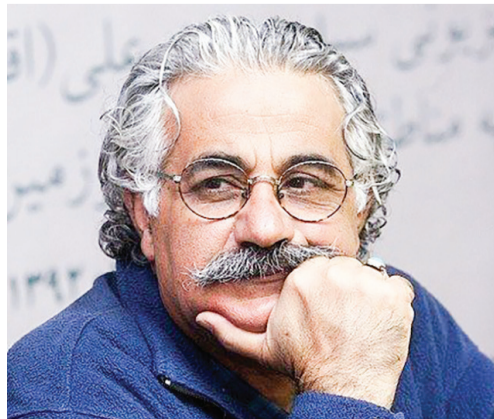
این همه پول درمی‌آورد اما هیچ وقت هیچ‌کدام‌شان پولدار نمی‌شوند و اگر فعالیت‌هایی تا این اندازه پربازده را رها کنند، یک ماه بعد پول خرید چند قرص نان را ندارند. انگار یک ریسمان فرهنگی پای آنها را به تیرکی در زیرزمین بسته و از جهت اقتصادی هم نمی‌گذارد بالا بیایند. حتی اگر پولدار شوند هم احتمالا طبقه اجتماعی و فرهنگی‌شان فرق نمی‌کند. تحلیل جماعت مسبوس است و پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد اما تقریبا همه قبول دارند که همین آدم‌ها اگر به جای زیرزمین در یکی دیگر از طبقات ساختمان اجتماع متولد شده بودند و رشد می‌کردند، احتمال اینکه چنین شخصیت‌هایی پیدا کنند به یک هزارم کاهش می‌یافت. امیرحسین مقصدلو یا همان تتلو یکی از کودکانی است که در زیرزمین ساختمان جامعه متولد شد و هنوز زیرزمینی باقی مانده است. ماجرای امیرحسینی که تبدیل به تتلو شد، ماجرای تلاش‌های ناکام یکی از بچه‌های زیرزمین برای بالا آمدن از طبقه‌اش و رسیدن به سطح است. او تا یک جایی تلاش کرد خواننده‌ای برای جوان‌های هم‌نسل خودش در طبقه متوسط شود و حتی در سال پرآشوب ۸۸، برای کاندیدای سبزه‌ترانه‌ای خواند. بعد کم‌کم از این تلاش مایوس شد و نسبت او با طبقه متوسطی‌ها به یک کل‌کل و روکم‌کنی کشید. امیرحسین مقصدلو می‌خواست دوباره متولد شود؛ این بار در طبقه متوسط؛ اما وقتی فهمید چنین امکانی برایش فراهم نیست، همه فوت و فن‌هایی که در زیرزمین برای کل‌کل و درآوردن لُج متوسطی‌ها بلد شده بود را به کار بست و از همین طریق توانست موفقیت‌هایی به دست بیاورد. حالا او به یک جوکر تبدیل شده بود که ناکام در جلب نظر از هم‌نسلی‌های طبقه متوسطی‌اش توانسته بود لشکری از نوجوانان دهه‌های بعد را پای کارش بیاورد و به این شکل تتلو متولد شد.

حمله تتلو به ارزش‌های طبقه متوسط که از آزادی‌های فردی گرفته تا نمادهایی مثل محمدرضا شجریان امتداد می‌یافت، به هیچ‌وجه عدالت‌خواهانه نبود اما مولود بی‌عدالتی بود. او درست و غلط، هر چه را که می‌گفت با لحنی گزنده و عموما مستهجن می‌گفت و به یک استاد بلاغ‌ناز در حرس دادن متوسطی‌ها تبدیل شد. این شیوه شخصیتی اتفاقا به شهرت او خیلی کمک می‌کرد و همین موضوع که هر قدر متوسطی‌ها بیشتر از تتلو لُج‌شان می‌گرفت او معروف‌تر می‌شد، خودش پدیده‌ای بود که با آن می‌شد موضوع شهرت را خصوصا در عصر شبکه‌های اجتماعی از زوایای جدید دید و بررسی کرد.

## چارسو

### اگر با برنامه ارتباط برقرار نکنم اجرایش را نمی‌پذیرم

اقبال واحدی، مجری باسابقه تلویزیون درباره حضور کم‌رنگ خود در عرصه اجرای برنامه‌های تلویزیونی در این روزها به مهر گفت: «ترجیح می‌دهم در برنامه‌ای به عنوان مجری حضور داشته باشم که از فضا و موضوع آن لذت ببرم. اولین مخاطب یک برنامه خودم هستم و اگر خودم با آن ارتباط برقرار کنم و آن را دوست داشته‌ام اجرایش را می‌پذیرم وگرنه ترجیح می‌دهم مجری برنامه نباشم. این روزها برنامه «سفرنامه روستا» را تولید می‌کنم و اجرای آن را بر عهده دارم که هفته‌ای ۵۰ دقیقه برنامه است و پنجشنبه‌ها حدود ۱۰ صبح پخش می‌شود. تاکنون ۱۰۰ قسمت از آن به پخش رسیده و قرار است ۲۶ قسمت دیگر برای این برنامه ضبط کنم و به نظرم روستاهای ما ظرفیتی دارد که تا سال‌ها می‌توان چنین برنامه‌هایی را ادامه داد. روستاهای ما هر سال انگار زایش دارند و پدیده‌های مرتبط با روستاها به صورت مادی و فرهنگی تمام‌شدنی نیست. من آدم فرصت‌طلبی هستم و همیشه دو تا سه دوربین همراهم دارم و در برخی مکان‌های گردشگری مصاحبه هم می‌گیرم. درواقع فکر می‌کنم بدون دوربین نمی‌توانم زندگی کنم. من یکی از داوران جشنواره میراث فرهنگی در حوزه ویدئوکلیپ و گزارش‌های تلویزیونی بودم. اصولا رشته میراث فرهنگی خاص و تخصصی است و قرار نیست فیلم یا برنامه‌ای که درباره میراث فرهنگی می‌بینیم اثر یک داستانی مثل ژانرهای مختلف باشد.»



شخصیت تتلو اساسا زاینده کل‌کل و لجبازی با طبقه‌ای است که او را به خودش راه نداد و در هر مواجهه‌ای با این پسر زیرزمینی، بینی‌اش را با دستمال گرفت و رد شد. در زمانی که تقریبا تمام ترانه‌های فارسی اگر شادمانه نباشند، تم واسوخت یا اصطلاحا شکست عشقی دارند، تم تتلو این بود که رودست خورده اما نهایتا برنده دعوا شده است. این هم از همان کل‌کل دائمی بلند می‌شد؛ شبیه دیالوگ نهایی فیلم «پاپیون»، جایی که استیو مک‌کوین وقتی بالاخره موفق می‌شود از زندان گویان فرار کند و به دریا می‌پرد، فریاد می‌زند آهای حرامزاده‌ها! من هنوز زنده‌ام. تتلو هم همین فریاد را خطاب به کسانی می‌زد که آنها را زندانبانان خودش در زیرزمین می‌دید؛ همان متوسطی‌ها که نمی‌گذاشتند او بالا بیاید و مثل خودشان شود. از خانم وزیری در ترانه‌اش تا استاد شجریا در فضای مصاحبه‌های جنجالی همیشگی‌اش، او مرتب خطاب به هر کاراکتری از طبقه متوسط که احساس می‌کرد می‌خواهد شخصی مثل تتلو یا مقصدلو وجود نداشته باشد، با لحن‌های مختلف فریاد می‌زد که آهای... این کل‌کل دیوانه‌وار کم‌کم در دامچاله سیاست هم افتاد.

تتلو تلاش‌هایی کرد تا خودش را سفیدشویی کند و بعضی از جریان‌ات سیاسی هم فکر کردند می‌توانند از او به عنوان نمادی از تساهل خودشان از یک‌سو و نمادی از باز بودن در توبه برای همه از سوی دیگر استفاده کنند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶، امیرتتلو و ساسی مانکن تبدیل به نمادهایی توده‌ای برای دو جناح سیاسی اصلی در کشور شدند. ماجرای تتلو کاملا واضح بود اما جناح مقابل که با ساسی کارش را جلو می‌برد، مثل همیشه مبهم رفتار می‌کرد. آنها با اینکه بیشترین سهم را طی تمام سال‌های پس از انقلاب در مناصب حکومتی داشتند، از جایی به بعد تلاش می‌کردند خودشان را مستقل از حاکمیت جلوه بدهند.

مثلا به جای اینکه از طریق فزایی و نهادهایی از این قبیل به سینما پول بدهند تا فیلم‌های مطلوب‌شان را بسازند، برای فرار از انگ حکومتی بودن دست یک‌سری افراد را در اختلاس از بانک‌ها، موسسات مالی و صندوق‌های بازنشستگی باز می‌گذاشتند و چنین افرادی پول‌های کثیف را به عنوان سرمایه‌گذاری خصوصی وارد سینما و شبکه نمایش خانگی می‌کردند. اگر هم کسی همین افراد را با سلبریتی‌های خریداری شده‌شان در کمپین انتخاباتی فلان کاندیدای ریاست جمهوری می‌دید لابد باید می‌پذیرفت که این رفتاری شخصی و غیرمشفارشی و دل‌خواهی بوده و انگ حکومتی بودن به آن نمی‌چسبد. ضریب دادن به ساسی مانکن در برابر تتلو هم توسط آن جناح سیاسی به همین شیوه مبهم انجام شد؛ شبیه گندم‌نماهای جوفروش؛ حکومتی‌هایی که ادعای استقلال از حکومت را داشتند. موزیک‌ها ویدئوهای مستهجن ساسی مانکن در چند سال پیاپی فقط به این دلیل بسیار مورد توجه قرار گرفت که ویدئوهایی از مدارس ابتدایی پخش شد و بچه‌ها را در حال همخوانی این آهنگ‌ها نشان می‌داد؛ آن هم درحالی‌که فیلمبرداز سلفی تمام این ویدئوها معلم کلاس بود و لابد باید باور می‌کردیم که همه چیز در بخش خصوصی انجام شده و وزارت آموزش و پرورش عمدا گوشه‌ای از در را باز نگذاشته تا این زهرپریز به طور خودجوش وارد اتاق شود. یک مثل ایرانی هست با این مضمون که «مار به زنبور می‌گوید تو بز، من خودم را نشان می‌دهم.» قضیه ضریب دادن به ساسی مانکن با ویدئوهای مدارس و نسبت این موضوع به دولت وقت هم مصداق همین مثل بود. نکته اینجاست که ساسی مانکن هرچه می‌کرد، نهایتا نقد می‌شد و ابدا مورد نفرت عمومی طبقه متوسط قرار نمی‌گرفت؛ چون ضریب دهندگان به او از جناح سیاسی دیگری بودند. به هر حال تتلو از ساسی در جذب مخاطبان بسیار موفق‌تر بود و در عین حال رابطه‌اش با آن جریان سیاسی که خودش را به آنها منتسب کرده بود هم بدون چالش باقی نماند. آن کل‌کل دیوانه‌وار با متوسطی‌ها رفته‌رفته از تتلو یک دیوانه تمام‌عیار ساخت. یک روز به امام حسین (ع) توهین می‌کرد و روز دیگر به غلطی می‌افتاد و ویدئویی بیرون می‌داد که در آن یک مداح محلی

### برای تئاتر کودک باید کلیه خود را بفروشم

علی فروتن در گفت‌وگو با ایسنا درباره نبود تبلیغات تلویزیونی برای تئاتر کودک گفت: «تلویزیون ما به صورت رایگان یک صحنه از یک نمایش تبلیغ نمی‌کند. حتی حاضر نیست در برنامه‌های کودک خود به بچه‌ها اعلام کند که در تالار هنر یا کانون پرورش فکری تئاتر ببینند. مگر این تالارها مال کیست؟ به خدا در همین تالارها بچه‌مسلمان‌ها دارند کار می‌کنند. در عوض تلویزیون مدام برای انواع خوراکی‌ها، جفجغه، انواع اسباب‌بازی‌های کارشناسی شده و نشده، تبلیغ پخش می‌کند. یعنی همه دنبال کاسی هستند. اینها سبب می‌شود که تئاتر کودک عقیم بماند. کسی که می‌خواهد تئاتر کودک کار کند، رسما باید قلوبه‌ها و کلیه‌هایش را بفروشد تا بتواند یک کار روی صحنه ببرد. من و آقای گلی نزدیک ۲۵ سال است که کار کودک می‌کنیم و برای مردم شناخته شده‌ایم و مورد اعتماد آنان هستیم. با تمام این تفاسیر، هر شب بعد از اجرا، به جز آخر هفته‌ها، آقای گلی اعلام می‌کرد که یک سالن ۲۰۰ نفره در شهر ۱۴، ۱۳ میلیونی تهران نباید خالی باشد! اما وقتی تبلیغاتی وجود ندارد، مردم از کجا باخبر بشوند که نمایش روی صحنه است. بعد می‌گویم چرا مردم به طرف شبکه‌های جم و اجنبی کشیده می‌شوند. در حالی که همین شبکه جم، به صورت رایگان، فیلم‌ها و تئاترهای ما را تبلیغ می‌کند. در شرایطی که بیلورد شهری نداریم و برای تبلیغ در فضای مجازی هم باید فیلترشکن بخیریم، تلویزیونی که دیدن آن نیاز به فیلترشکن ندارد، برای چند تئاتر و گالری تبلیغ کرده است؟»



می‌گفت امیرحسین مقصدلو یک جک هیات را داده است. یک روز در مورد اینکه زن‌ها نباید سر کار بروند و با مردها نباید خوش‌ویش کنند حرف می‌زد و روز دیگر اطلاعاتیه اینستاگرامی می‌داد و از دختران زیر ۲۰ سال برای عضویت در حرورش داوطلب می‌پذیرفت. هرچه حرص جماعت با این کارهای تتلو بیشتر درمی‌آمد او هم جواب‌های حرص‌دآورتری می‌داد. مثلا وقتی حمله کردند که این چه گستاخی و بی‌اخلاقی واضحی است که می‌کنی، پاسخ داد پس دخترکان باکره برای عضویت در حرورش من از پدر و مادرشان رضایت‌نامه بیاورند تا موضوع بلاشکال باشد. او دیگر هیولا شده بود و آنهایی که داشت لُج‌شان را درمی‌آورد صرفا طبقه متوسطی‌ها نبودند، بلکه هر کس از هر طبقه‌ای اگر ذره‌ای به اخلاقیات و هنجارها پایبند بود، برآشفته می‌شد. حالا دیگر تتلو به یک عفونت خطرناک تبدیل شده بود. کنسرت می‌گذاشت و وسط آن می‌گفت چند دقیقه صبر کنید تا من بروم مواد بکشم و برگردم. در همان کنسرت مرتب به هوادانش توهین می‌کرد و سوت و کف احق‌هایی که توهین می‌شنیدند و ذوق می‌کردند، حرص آدم‌های عاقل و عادی اجتماع را در می‌آورد نه فقط طبقه متوسطی‌های سرخ و سبز و بنفش و خاکستری را. حرورش را تتلو بالاخره کار دستش داد. او می‌توانست روابط جنسی متعددی در کشور ترکیه داشته باشد بی اینکه کسی از این قضیه چندان بویی ببرد یا حساس شود اما عمدا اطلاعاتیه می‌داد و حتی به بیشتر از آنچه عمل می‌کرد ظاهر می‌کرد تا حرص دریاورد، حرص دریاورد و دیده شود. تتلو صدای اعماق بود و تا مدت‌ها از اینکه برای شکستن حصار نامرئی نادیده ماندن، از درآوردن حرص متوسطی‌ها بهره بگیرد استفاده کرد؛ اما به قدری این روش را ادامه داد که کارش به در افتادن با بدیهی‌ترین اصول انسانی

کشید و در کثافت غوطه‌ور شد. او حالا به جایی رسیده و کارهایی کرده که هیچ آدمی با عقل و منطق متعارف نمی‌تواند مدافعش باقی بماند و روی دفاع جماعت بی‌عقل و بی‌منطق هم نهایتا برای پر کردن یک سالن کنسرت می‌توان حساب کرد نه بیشتر. اما بیا بیا تا اینجا مرور کنیم که این پسر زیرزمینی، در مسیری که تا به حال طی کرده از کنار چند نفر از ما متوسطی‌ها گذر شده و هر کدام‌مان چقدر فرصت داشتیم که نگذاریم او روی ریل هیولا شدن بیفتد؟ از ستاد سبزه‌ها در سال ۸۸ تا دیدار با قاضی القضاات در ۹۶ و پس از آن حضور در جشن خیرگزاری فارس. از حضور روی ناو ارتش و ترانه خوانی برای انرژی هسته‌ای تا ترانه خوانی همدلانه با معترضان ۱۴۰۱. از زمین فوتبال تا زمین‌های سینمایی، از کافه تا هیات عزاء، او همه جا دنبال ما دوید تا بپذیریمش. دنبال مذهبی‌مان دوید، دنبال روشنفکرمان دوید، با آخوند‌های ما عکس گرفت، با هنرپیشه‌های سینمایی ما هم‌خانه شد و خلاصه هر کاری کرد که پذیرفته شود اما ما که سر پیچ‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مرتب سنگر می‌گرفتیم و به سمت هم تیر می‌انداختیم، در پس‌زدن این بچه زیرزمینی هم داستان و متحد بودیم. گاهی اگر به درد ما می‌خورد سعی کردیم از او استفاده کنیم؛ مثل سال‌های ۸۸ و ۹۶؛ اما نهایتا به تنظیمات قبل برگشتیم و با فشار دادن دستمال روی بینی‌مان، تا جایی که بوی زیرزمینی او نیاید، دور شدیم. تتلو عدالت‌خواه نبود اما مولود بی‌عدالتی است. شاید ممکن بود این هیولای کثیف چنین چیزی نشود که امروز شده؛ اگر کسی زودتر از اینها به جای خودش کمی هم به او فکر می‌کرد. هیولا را باید مجازات کرد اما هیچ وقت در هیچ جای تاریخ ندیدیم کسانی که می‌توانستند مانع تولد یک هیولا شوند و نشدند را مجازات کنند و چه می‌شود کرد که این از وجود تراژیک زندگی بشر است.

### اگر به گذشته برگردم باز یگر نمی‌شوم

آنجلینا جولی در مصاحبه با وال استریت ژورنال گفت که اگر قرار بود امروز کارم را در دنیای سرگرمی آغاز کنم احتمالا بازیگر نمی‌شدم، زیرا زمانی که من شروع به کار کردم، انتظار چندانی برای عمومی بودن و به اشتراک گذاشتن همه چیز وجود نداشت. من نظری می‌رسد که بیش از دو دهه تحت نظارت شدید افکار عمومی بودن، آنجلینا جولی را تحت تاثیر قرار داده است، زیرا او گفته سال پس از جدایی از برد پیت باز هم هدف روزنامه‌ها قرار گرفته است. استرس او به حدی شدید شد که او در سال ۲۰۱۸، در طول فیلمبرداری دنباله فیلم دیزنی «مالفیستنت: بانوی اهریمنی» متوجه شد که صدایش نسبت به زمانی که برای اولین بار نقش این شخصیت را بازی می‌کرد، تغییر کرده است. جولی در این باره گفت: «بدن من به شدت به استرس واکنش نشان می‌دهد. قند خون من بالا و پایین می‌شود. من شش ماه قبل از طلاق ناگهان دچار فلج بل شدم.» وی همچنین گفت: «این روزها در لس‌آنجلس زندگی اجتماعی ندارم، زیرا وقتی بیرون می‌روم توجه ناخواسته زیادی به من می‌شود و بنابراین ذهنیات قصد دارم اینجا را برای همیشه ترک کنم و زمان بیشتری را در خانه خود در کشور کامبوج بگذرانم. این بخشی از اتفاقات پس از طلاق من است. من توانایی زندگی و سفر آزادانه را از دست داده‌ام. من در مکانی کاملا مسطحی بزرگ شدم. هالیوود در بین همه جاهای دنیا جای سالمی نیست.»



### تغییری در دفتر موسیقی نداریم

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به پرسش خبرنگاران مبنی بر تعیین تکلیف مدیر جدید دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از انتشار خبرهای غیررسمی مبنی بر انتقال محمد الله‌یاری (مدیر فعلی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به بنیاد فرهنگی هنری رودکی برای مدیریت این مجموعه تاکید کرد: «آقای الله‌یاری اکنون مدیر دفتر موسیقی وزارتخانه هستند و جایی نرفته‌اند. البته این مباحث مطرح شده به دلیل جای خالی مدیریت بنیاد رودکی است که فعلا با سرپرست اداره می‌شود. ما مشغول بررسی موضوع هستیم و این راهم می‌دانیم که آقای الله‌یاری از مدیران بسیار خوب ماست. من هم ترجیح می‌دهم موضوع انتصاب مدیران با کمترین تغییرات رویه رو باشد. کمالاتی که شما همین الان هم نگاه کنید، متوجه می‌شوید تغییر میان مدیران ارشد در کمترین شکل ممکن صورت گرفته است به همین دلیل من بنایی برای تغییر ندارم مگر اینکه ضرورتی اقتضا کند. دوستان من در حال جمع‌بندی موضوعات برای ماجرای مدیریت بنیاد فرهنگی هنری رودکی هستند و ما تلاش می‌کنیم ظرف چند روز آینده موضوع انتصاب مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی انجام شود تا دیگر شاهد حاشیه‌ها نباشیم. خوشبختانه با انتصاب به موقع دبیر جشنواره موسیقی فجر در چند ماه گذشته توانستیم در قالب گروه‌های مختلف برنامه‌ریزی‌های خوبی را برای برگزاری این دوره از جشنواره داشته باشیم.»

